



Volume 1, Issue 1, 2021

Juridical and Legal Aspect of Law of Treating Economic Corruptions Offenders in the Light of a Fair Trial

Ramin Rostami ¹, Mehran Jafari*², Ali Jamadi ³, Dariush Babaei ⁴

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Yasooj Branch, Islamic Azad University, Yasooj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 111-121

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-1414-1034

TELL: +987433313213

Email: mehran9595jafari@gmail.com

Article history:

Received: 28 Dec 2020

Revised: 31 Jan 2021

Accepted: 06 Feb 2021

Published online: 21 Mar 2021

Keywords:

Fair Trial, Economic Corruption, Procedure, Appeal, Access to Lawyer, Public Hearing.

ABSTRACT

Exploring the crimes of economic corruption is of great significance due to its great effect on public opinion. The request of the former head of the judiciary from the leadership to establish a special court for economic corruption can be evaluated in this regard. In this paper, an attempt has been made to study the legal jurisprudence of investigating the crimes of economic corruption in the light of a fair trial. The present paper is an analytical descriptive study, applying the library method. The results indicate that the broad jurisdiction provided for in the suggested proposal and authorization of the former head of the judiciary to establish a special economic court to deal with economic crimes violated the rights of the accused persons, which are based on jurisprudential rules and domestic and international law, to enjoy the principles of a fair trial, widely and even irreparably because determination and speed are not necessarily provided through limited means by depriving defendants of their legal rights, which have been tried for years to establish. The examples of defendants' legal rights consist of holding fair trials, a proper judicial process during the trials, the right of access and free choice of lawyer, the right to appeal, having legal notice and objections, and protesting against temporary detention, which in the obvious form was ignored by violating some of the rules of criminal procedure. The conclusion is that the establishment of special courts and authorities can only lead to justice in the proceedings if it is in line with a fair trial.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, R; Jafari, M; Jamadi, A & Babaei, D (2021). "Juridical and Legal Aspect of Law of Treating Economic Corruptions Offenders in the Light of a Fair Trial". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1): 111-121.



دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

بررسی فقهی - حقوقی آیین رسیدگی به جرایم مفساد اقتصادی در پرتو دادرسی عادلانه

رامین رستمی^۱، مهران جعفری^{۲*}، علی جمادی^۳، داریوش بابایی^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۴. استادیار، گروه حقوق، واحد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

چکیده

رسیدگی به جرایم مفساد اقتصادی به دلیل تأثیر و آثار زیادی که بر افکار عمومی جامعه دارد از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله تلاش شده به بررسی فقهی حقوقی رسیدگی به جرایم مفساد اقتصادی در پرتو دادرسی عادلانه پرداخته شود. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. نتایج بر این امر دلالت دارد اختیارات وسیعی که در طرح پیشنهادی و استجازه رئیس سابق قوه قضائیه برای تشکیل دادگاه ویژه اقتصادی درخصوص رسیدگی به جرایم اقتصادی تدارک دیده شده بود، حقوق متهمان را که برگرفته از قواعد فقهی و قوانین داخلی و بین‌المللی در برخورداری از اصول دادرسی عادلانه می‌باشد، به‌طور گسترده و حتی غیرقابل جبران نقض کرده است، زیرا قاطعیت و سرعت، لزوماً از رهگذر محدود یا محروم ساختن حقوق قانونی متهمان که سال‌ها برای تثبیت آن‌ها تلاش گردیده مهیا نمی‌گردد. از مصادیق حقوق قانونی متهمان که شامل برگزاری دادگاه‌های عادلانه، روند قضایی مناسب در جریان رسیدگی دادگاه‌ها، حق دسترسی و انتخاب آزادانه وکیل مدافع، حق تجدیدنظر و فرجام‌خواهی، برخورداری از مواعد قانونی ابلاغ و اعتراض و اعتراض به‌قرار بازداشت موقت می‌شود، به‌صورت بارزی با نقض پاره‌ای از قواعد آیین دادرسی کیفری نادیده گرفته شد. نتیجه اینکه تشکیل مراجع و دادگاه‌های ویژه، صرفاً در شرایطی که همسو با دادرسی عادلانه باشد می‌تواند به عدالت در دادرسی رهنمون شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۱-۱۲۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۰۳۴-۱۴۱۴-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۷۴۳۳۳۱۳۲۱۳+

ایمیل: mehran9595jafari@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۸

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

دادرسی عادلانه، مفساد اقتصادی، آیین رسیدگی، حق تجدیدنظر، دسترسی به وکیل، دادرسی علنی.



مقدمه

جرایم اقتصادی به عنوان یکی از مهم ترین عوامل مختل کننده امنیت اقتصادی و برهم زنده آسایش عمومی جامعه به شمار می آید. این جرایم مبتنی بر نیاز مالی نبوده بلکه بر سلطه طلبی و زیاده خواهی بزهکاران آن دلالت دارد. جرایم مالی و اقتصادی دارای آثار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به مراتب زیانباری بر جامعه است. ضعف نظام نظارتی و توزیع ناعادلانه ثروت از عوامل ایجاد جرایم اقتصادی است. از دیگر سو، ضرورت شناخت ارکان جرایم اقتصادی و تخصیص ضمانت اجراهای متنوع با توجه به خطر اجتماعی و قبح رفتار مرتکب، موجب شده است تا قربانیان زیان دیده در این قبیل موارد برای برخورداری از امتیازاتی (چون سرعت در دادرسی و واگذاری امر تحصیل دلیل به دادسرا و تحمل هزینه کمتر) به جای طرح دعای حقوقی، با به کار بردن عناوین و کلمات مجرمانه مبادرت به اعلام جرم نمایند. نامه رئیس سابق قوه قضائیه آقای صادق آملی لاریجانی، خطاب به مقام رهبری در خصوص تسریع در رسیدگی به جرایم اقتصادی بر اساس همین تلقی و نگرش صورت گرفت. به عبارتی از آنجاکه امروزه پرونده های فساد کلان در دستگاه های حکومتی حادثه ای پررنگ تر و شگفت انگیزتر شده است، به نوعی قوه قضائیه درصدد برخورد های شدید و قاطعانه درخصوص اخلال گران و مفسدین اقتصادی برآمده است. نامه مورد اشاره باب جدیدی را برای برخورد با مفساد اقتصادی گشود و نویدبخش فصلی نو در مبارزه با متهمان اقتصادی در کشور بود. طی این نامه ۱۲ بندی، رئیس قوه قضائیه با اشاره به جنگ اقتصادی کنونی درخواست اجازه اقدامات ویژه، برای برخورد قاطع و سریع در چارچوب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی ایران مصوب سال ۱۳۶۹ را داشت. در این نامه پیشنهاد شده است که هرگونه تعلیق و تخفیف مجازات اخلال گران و مفسدان اقتصادی ممنوع باشد که نامه مذکور برای اجرای به مدت دو سال مورد تأیید رهبری انقلاب قرار گرفت.

تألیفات متعددی در خصوص جرایم اقتصادی انجام شده است: حسین سلطانی فرد و سایرین در مقاله ای، پیوند شکل و محتوا در آئین دادرسی جرایم اقتصادی را مورد بررسی قرار

داده اند (سلطانی فرد و همکاران، ۱۳۹۷). فرشاد قره چاهی نیز در مقاله ای، پیامدها و چالش های دادرسی جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران را بررسی کرده است (قره چاهی و صادقی مادوانی، ۱۳۹۹). همچنین مهرا ن صادقی مادوانی و سایرین در مقاله ای به بررسی نقش عادلانه بودن دادرسی اقتصادی بر جذب سرمایه در کلان شهرها پرداخته اند (صادقی مادوانی و سایبانی، ۱۴۰۰). اما بحث همخوانی و تطبیق استجازه تأسیس دادگاه ویژه اقتصادی رئیس سابق قوه قضائیه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. نوآوری مقاله حاضر بررسی همین موضوع است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می شود این است که آیین رسیدگی به جرایم مفساد اقتصادی در پرتو دادرسی عادلانه از منظر فقهی و حقوقی چگونه قابل ارزیابی است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که «طبق مفاد استجازه تشکیل دادگاه ویژه اقتصادی در خصوص دادرسی علنی، حق تجدیدنظرخواهی و حق دسترس به وکیل دادگستری محدود و نقض شده است». به منظور بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره، به تبیین مفاد طرح پیشنهادی تأسیس دادگاه ویژه در تطابق اصول دادرسی عادلانه پرداخته شده است.

۱- رسیدگی به جرایم مفساد اقتصادی در پرتو دادرسی عادلانه

سرعت بخشیدن به دادرسی خصوصاً در جرایم اقتصادی با توجه به نوع عملکرد بزهکاران این جرایم یکی از موارد اصول دادرسی عادلانه می باشد. در همین راستا، رئیس قوه قضائیه در نامه ای به رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به جنگ اقتصادی دشمنان علیه ملت ایران و انجام برخی جرایم از سوی عده ای از اخلال گران و مفسدان اقتصادی در این شرایط همسو با اهداف دشمنان، درخواست کرد اجازه اقدامات ویژه در برخورد قاطع و سریع در چارچوب قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور و قانون مجازات اسلامی داده شود. در این نامه پیشنهاد شده است که هرگونه تعلیق و تخفیف مجازات اخلال گران و مفسدان اقتصادی ممنوع باشد. رهبر انقلاب اسلامی با این پیشنهادها موافقت و تأکید کردند: مجازات مفسدان اقتصادی سریع و عادلانه انجام گیرد و در مورد اتقان احکام دادگاه ها دقت لازم توصیه شود. اما

مقدماتی نیز، مطابق تبصره ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک، «مهلت اعتراض به قرارهای قابل اعتراض برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است». آنچه که از مفاد مواد مذکور در فوق پیدا است، قانون گذار برای ابلاغ، حداقل زمان پنج روزه و برای اعتراض بازه زمانی حداقل ۱۰ روزه را به عنوان تشریفات قانونی پیش‌بینی نموده است.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند (ب) از ماده سوم مقرر می‌دارد: متهم باید «وقت و تسهیلات کافی برای دفاع از خود داشته باشد». همچنین بند سوم از ماده شش کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان داشته: متهم «از فرصت و تسهیلات کافی جهت تمهید دفاعیه خود بهره‌مند شود». یکی از بدیهی‌ترین اصول دادرسی، اعطای فرصت دفاع و آگاهی متهم از روند دادرسی و اعتراض نسبت به تصمیمات و اتهامات انتسابی می‌باشد. از همین جهت، اعطای فرصت و زمان کافی برای آمادگی متهم جهت حضور در جلسات دادرسی و اظهار دفاعیات خویش از حقوق مسلم هر شخصی در فرآیند یک رسیدگی کیفری می‌باشد. در قالبی دیگر حق دفاع متهم «از مقدس‌ترین حقوق انسانی است که موجب تضمین آزادی‌های فردی است» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۲: ۲۳) چراکه متهم در راستای رد اتهامات انتسابی به دنبال جمع‌آوری ادله اثباتی رفع اتهام منتسب به خویش با اقامه دلیلی مؤثر در کشف حقیقت به فرآیند رسیدگی یاری می‌رساند. تعیین مهلت زمان دفاع و شناسایی فرصت کافی و مناسب برای آمادگی و اطلاع از روند دادرسی در آغاز و حین فرآیند رسیدگی و همچنین اعتراض به قرارها و آراء دادرسی در حین و خاتمه رسیدگی کیفری، ممکن است در نظام‌های حقوقی متفاوت از یکدیگر باشد، لکن با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری قانون‌گذار مهلت‌ها و مواعد مناسب را به صراحت تبیین نموده و تعدی از آن را برای هیچ مقامی روا ندانسته است و از جهتی دیگر بنا به شرایطی موجه با تمدید مهلت‌های مقرر در راستای حفظ حقوق متهم تمهیداتی را نیز پیش‌بینی نموده است. بر این اساس، چنانچه مصلحتی در تغییر مهلت و مواعد مقرر توسط قانون‌گذار لازم آید هیچ مرجعی در مقام نقض تشریفات قانونی صلاحیت ندارد، به جز مرجع مصوب قانون.

می‌بایست توجه گردد تسریع در رسیدگی نباید موجبات تضییع حقوق دفاعی متهم و عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه در فرآیند دادرسی را فراهم آورد.

۲- عدم رعایت تشریفات قانونی مربوط به ابلاغ و اعتراض

مطابق بند ۴ طرح پیشنهادی و استجازه رئیس سابق قوه قضائیه، کلیه مواعد قانونی لازم‌الرعایه مندرج در آیین دادرسی از قبیل ابلاغ حداقل پنج روز تعیین می‌شود. یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ارکان هر دادرسی قضایی، عبارت از مطلع کردن اشخاص از هر موضوع یا دعوی می‌باشد که به نفع یا به ضرر ایشان در جریان بوده و با اصطلاح ابلاغ شناسایی گردیده است. ابلاغ اوراق قضایی اعم از اخطاریه، احضاریه، دادخواست، اظهارنامه، رأی و به‌طور کلی تمام اوراق و اسنادی که طبق مقررات نیاز به ابلاغ داشته باشد، به سبب اهمیت وافر امر موجب تدبیر قانون‌گذار برای خلق مقررات و تشریفات خاصی گردیده است. از همین‌رو، قانون‌گذار به موجب ماده ۲۸ ق.آ.د.ک ابلاغ اوراق قضایی را یکی از وظایف ضابطان دادگستری قرار داده است. بنابراین، جهت جلوگیری از اطلاع دادرسی و اجرای عدالت در جهت حفظ حقوق و منافع افراد دخیل در دعوی کیفری، مقررات مرتبط به ابلاغ در قوانین کیفری که برگرفته از قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد بایستی به درستی و با حساسیت ویژه‌ای اجرا و تحت نظارت مستمر واقع گردند. دعوت از متهم برای رسیدگی و تحقیقات با ابلاغ احضاریه، جهت آمادگی برای دفاع صورت می‌گیرد. از همین‌رو است که اجرا نشدن درست و صحیح تشریفات ابلاغ موجب تضییع حقوق افراد در دادرسی می‌شود. به سبب اهمیت ابلاغ در جهت اجرای عدالت و احقاق حق مراجعان به محاکم، قانون‌گذار مهلت و زمانی را برای اعمال این حق پیش‌بینی نموده است.

در خصوص رسیدگی در دادگاه‌های کیفری نیز قانون‌گذار با توجه به اهمیت ابلاغ موافق ماده ۳۴۳ ق.آ.د.ک، بیان داشته «فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد». همچنین مهلت زمان ابلاغ احضاریه متهمی را که اقامتگاه وی معلوم نباشد کمتر از یک ماه در نظر نگرفته است. راجع به مهلت زمان اعتراض برقرار در مرحله تحقیقات

همان گونه که پیش از این نیز اشاره گردید، تشریفات قانونی مورد نظر مقنن به سبب دسته بندی در زمره قواعد آمره، باید توسط تمامی مقامات قضایی و در تمام مراحل رسیدگی رعایت گردد و ضمانت اجرای تخطی از آن، متناسب با درجه و اهمیت موضوع در دادرسی از تخلف انتظامی تا ابطال رأی را به دنبال خواهد داشت. در خصوص عدم رعایت تشریفات مربوط به ابلاغ نظرات متفاوتی بیان گردیده که علیرغم اینکه عده ای عدم رعایت آن را موجب بی اعتباری رأی ندانسته اند، از سویی دیگر در نگاهی متفاوت، برخی ضمانت اجرای ماده ۱۷۱ را بطلان تحقیقات یا دادرسی تلقی نموده، «مگر اینکه شخص احضار شده رأساً حضور یابد و نسبت به عدم رعایت مواعد قانونی اعتراض نماید. ولی اگر مواعد قانونی رعایت نشده باشد و احضار شده هم حاضر نشده باشد، جلسه تشکیل شده فاقد اعتبار خواهد بود و عدم رعایت این تشریفات قانونی باعث بی اعتباری رأی صادر شده خواهد بود» (رحمدل، ۱۳۹۷: ۱۷۴). در اسناد حقوق بشری نیز، یکی از جنبه های اصل برابری سلاح ها در رعایت حق طرفین دعوا در امور کیفری، برخورداری از فرصت کافی برای دفاع و بهره مندی از زمان معقولی برای بازبینی مجدد از تصمیم قاضی در جهت تضمین حقوق دفاعی متهم می باشد. بنابراین، تسریع امر رسیدگی و سرعت عمل در مقابله با اخلاص گران و مفسدان اقتصادی موضوع بحث حاضر، با تغییر مواعد حداقلی قانون گذار به حداکثر مهلت دفاع و تعرض بر حقوق شکلی متهمان از طریق کاهش خودسرانه مهلت های قانونی توسط مقامات قضائی و دولتی امری پسندیده و مقبول به نظر نمی آید.

معقول بودن مهلت ها و مواعد در جریان دادرسی متفاوت از دادرسی در زمان و مهلتی معقول می باشد که در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. رسیدگی در مهلت زمان معقول بدین معنا است که با صرف مدت متعارف بتوان به پرونده رسیدگی کرده، و از این طریق عدالت را برقرار ساخت و رسیدگی به یک پرونده در مدتی انجام گیرد که از نظر قانون و عرف مطلوب باشد (صابر و ناظریان، ۱۳۹۳: ۴۸).

از دیگر جهات و مبانی دادرسی در مدت زمان معقول، تأمین عدالت و دستیابی به اصول دادرسی عادلانه و منصفانه

می باشد که یکی از ملزومات آن رعایت حقوق دفاعی متهم می باشد. از همین جهت، سلب حقوق متهم در برخورداری از فرصت زمان مناسب و مطلوب جهت آمادگی برای دفاع و اعتراض خود نمونه بارز نقض عدالت در فرآیند یکی دادرسی عادلانه می باشد. بنابراین همان گونه که یکی از بنیادی ترین حقوق دفاعی متهمان رعایت مهلت معقول در فرآیند دادرسی می باشد که در ماده ۹۴ و ۹۵ ق.آ.د.ک مورد اشاره قرار گرفته است. احترام و حفظ حقوق دفاعی متهم همچون رعایت مهلت و مواعد قانونی تعیین شده برای متهم برای دفاع و اعتراض نیز امری ضروری و غیر قابل سلب می باشد. آنچه که در تسریع یک دادرسی عادلانه همواره باید مورد توجه باشد، سرعت در تعقیب بزه کاران و کاهش فاصله تاریخ وقوع جرم تا زمان اجرای مجازات و حصول نتیجه می باشد نه کاستن از حقوق دفاعی متهم، چرا که «احترام به کرامت انسانی و حفظ امنیت و آزادی اقتضا دارد که دادرسی عادلانه ای تحقق یابد که ضامن حقوق افراد باشد» (قربانی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). رعایت تشریفات قانونی دادرسی به عنوان یکی از اصول دادرسی الزام آور می باشد و از این رو درباره اهمیت وجود تشریفات در دادرسی گفته شده است: «تشریفات وثیقه ضروری نفع شخصی است؛ این دوران بربرها بود که در آن پادشاه، پای یک درخت می نشست و بدون تشریفات رأی صادر می نمود.» (Czar-Bru, 1927: 3). به تعبیر بهتر، تشریفات موجب رعایت مقتضیات دادرسی عادلانه می شود و با ایجاد امنیت قضایی از اعمال متقلبانه طرف فاقد حسن نیت جلوگیری نموده و حتی از خودسری دادرسی ممانعت به عمل می آورد (Koch, et al, 1988: 3).

کاهش مواعد قانونی لازم الرعایه مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری به حداکثر زمان پنج روز در تعارض با ماده ۱۷۱، ماده ۱۷۴، ماده ۳۴۳ می باشد که قانون گذار برای ابلاغ، حداقل زمان پنج روزه، و برای اعتراض مطابق تبصره ماده ۲۷۰ و ماده ۴۳۱؛ بازه زمانی حداقل ۱۰ روزه را به عنوان تشریفات قانونی پیش بینی نموده است.

۳- عدم رعایت اصل دادرسی علنی

در بند سوم از نامه رئیس قوه قضائیه خطاب به مقام رهبری آمده است: «به تشخیص رئیس دادگاه جلسات علنی و قابل انتشار

از جمله دلایل فقهی که علنی بودن دادرسی را مستحب اعلام داشته است این است که: «مستحب است قاضی در فضایی باز بنشیند تا دسترسی به او آسان باشد، یا در جلسه دادرسی دانشمندان را شرکت دهد یا در جلسه دادرسی افراد عادل باشند» (شهید اول، ۱۴۱۷: ۱۶۷). این سخن به معنای و تأکید بر علنی بودن دادرسی است.

در همین راستا نیز می‌توان گفت که در رویه اسلامی نیز همواره بر علنی بودن رسیدگی‌ها صحه گذاشته شده است. حضرت علی (ع) جلسات دادرسی و محاکمه افراد را در مسجد جامع کوفه ترتیب می‌دادند (نجفی، ۱۳۹۲: ۲۳۱/۱۲). همچنان که مؤلفان نظام دادرسی استنباط کرده‌اند، فلسفه جلسات دادرسی در مسجد رعایت اصل علنی بودن و تسهیل حضور مردم در جلسه دادرسی بوده است (مؤذن زادگان، ۱۳۷۹: ۲۴). شرط علنی بودن نسبت به همه مراحل فرآیند قضایی اعمال نمی‌شود، بلکه تنها نسبت به مرحله استماع طرفین، یعنی بررسی شفاهی ادله و لوائح آن‌ها ضرورت دارد.

در اسناد معتبر حقوق بشری نیز این مسأله مدنظر قرار گرفته است. ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی، بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی علنی بودن دادرسی را یکی تضمینات حقوق دفاعی متهم نام برده است (رضوی فرد و قربان زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۵). علنی بودن در واقع تضمینی بر رعایت حق مردم به‌عنوان ناظر بر عملکرد حکومت‌ها می‌باشد (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۹۵).

در پرونده‌های کیفری مربوط به جرایم اقتصادی به سبب تأثیر این جرایم بر افکار عمومی جامعه و حساسیت ایجاد شده، مردم از همان روزهای آغازین مراحل رسیدگی خواستار دسترسی به گزارش جریان رسیدگی و شرح حال متهم در رسانه‌ها بوده و در انتظار اجرای عدالتی سریع به سر می‌برند. از همین‌رو، چنین جرایمی نه‌تنها اقتضای رسیدگی علنی را می‌طلبد بلکه به استناد تبصره دوم از ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک، به سبب خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و حفظ نظم عمومی جامعه به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه

در رسانه‌ها می‌باشد. در قسم دوم از بند سوم از نامه رئیس قوه قضائیه خطاب به مقام رهبری، تشخیص قابلیت انتشار جریان رسیدگی نیز به تشخیص قاضی محول گردیده است که در مخالف با ماده ۳۵۳ قانون آ.د.ک می‌باشد، چراکه مطابق این ماده، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده و بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات متهم با در نظر گرفتن ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در جرایم اقتصادی که میزان مال موضوع جرم ارتكابی یک میلیارد ریال یا بیش از آن باشد پیش‌بینی گردیده و مطابق با تبصره این ماده، انتشار حکم محکومیت از الزام مطلق برخوردار می‌باشد؛ و این سخن به معنای این است که تبصره ماده برخلاف متن اصلی ماده، شامل الزام مشروط به شرط اخلال در نظم یا امنیت نمی‌باشد.

علنی بودن محاکمات، نوعی نظارت مردمی برای محافظه کیفیت تحقیق اجرای عدالت، احقاق حقوق متضرر از جرم، رعایت حقوق دفاعی متهم و نیز تأمین منافع جامعه در تعقیب بزهکاران است. رسیدگی علنی به‌عنوان یک تضمین اساسی برای عادلانه بودن و استقلال روند قضایی است و ابزاری حمایتی برای اعتماد عمومی و نظام قضایی است.

جوهره موضوع علنی بودن فرآیند دادرسی آن است که ورود به جلسات محاکمه بایستی برای هر کس که خواهان حضور در آن است، آزاد باشد (مالچ نیکل، ۱۳۸۴: ۱۸۳) و حضور مردم در فرآیند دادرسی در مفهوم حقیقی به معنی برداشتن گام‌هایی است که به‌موجب آن مردم قادر باشند با حضور در دادگاه‌ها، فرآیند دادرسی را درک کنند (Stepniak, 2014: 1). فلسفه وجودی اصل علنی بودن رسیدگی ریشه در نظارت وجدان جمعی بر روند دادرسی منصفانه و عادلانه در تضمین حقوق متهم از تعرض دستگاه قضائی و تجاوز دادرس دارد؛ چراکه دادرسی در اخفا، و استتار جریان رسیدگی همواره دستگاه قضائی را در مظان اتهام بی‌عدالتی و بی‌انصافی قرار می‌دهد و از طرفی اعتماد و اطمینان جامعه را بر دادرسی عادلانه و منصفانه، به‌عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه نظام حاکمیتی هر حکومتی، در معرض تهدید و خدشه قرار می‌دهد.

قضائیه انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده با بیان مشخصات متهم امری ضروری می‌باشد. برگزاری غیرعلنی جلسات رسیدگی و ممانعت از انتشار جریان رسیدگی توسط رسانه‌ها چه بسا باب صدور احکام مخفیانه قضائی را گشوده و واگذاری تشخیص چنین امری به دادرس، سبب تمسک قاضی به هر بهانه‌ای جهت امتناع از گزارش روند دادرسی می‌گردد.

مطابق اصل ۱۶۵ قانون اساسی و مواد ۳۵۲ و ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، اصل بر علنی بودن محاکمات می‌باشد، مگر به‌استثناء قانون. معنای علنی، مصادف با شفافیت و حضور آزادانه‌ی رسانه‌ها و شهروندان در جلسات دادگاه در پرتو تبعیت از تمام شرایط علنی بودن می‌باشد. مساوی با بند سوم از نامه رئیس قوه قضائیه، استثناء بر اصل مقدم گشته و اصل برگزاری علنی دادگاه‌ها تحت عنوان امری استثنایی و نادر در حوزه تشخیص و صلاح‌دید قاضی پنهان است.

پرواضح است، همان‌گونه که پیش از این نیز گذشت، قانون‌گذار به سبب اهمیت جرایم اقتصادی و تأثیر بی‌بديل آن در امورات عمومی و حقوق همگانی مردم، به‌طور اختصاصی در ماده ۳۶ ق.م. ۱۳۹۲، تشهیر رسانه‌ای حکم محکومیت قطعی و همچنین ماده ۳۵۳ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲، که به‌طور ضمنی بر ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی اشاره می‌نماید، ضرورت انتشار مفاد حکم صادره را به همراه مشخصات محکوم‌علیه یادآوری می‌نماید.

با توجه به سابقه طولانی مدت کیفر تشهیر در فقه اسلامی، مجازات مفسدان اقتصادی با انتشار اسامی و مشخصات آنان و حکم محکومیت قطعی این افراد در قالب کیفر تشهیر مفسدان اقتصادی، پیش از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری همان سال، برای بار نخست، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، ماده ۱۸۸ تبصره ۳ (الحاقی ۱۳۸۵/۳/۲۴) مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفت. بر اساس ماده مورد اشاره: «در موارد محکومیت قطعی به جرم ارتکاب اختلاس، ارتشاء، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اخلال در نظام اقتصادی کشور، سوءاستفاده از اختیارات به‌منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم

گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به‌طور کلی جرم علیه حقوق مالی دولت، به دستور دادگاه صادرکننده رأی قطعی خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت با عنوان، جرایم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم‌علیه به هزینه وی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و عنداللزوم یکی از روزنامه‌های محلی منتشر و در اختیار سایر رسانه‌های عمومی گذاشته می‌شود. مشروط به آن‌که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی ۱۰۰ میلیون ریال یا بیشتر از آن باشد.» سپس این ماده با تدوین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسخ گردید و جای خود را به ماده ۳۶ قانون جدید بخشید که به‌موجب آن انتشار اسامی مفسدان و مجرمان به‌عنوان مجازات اصلی، قاضی را مکلف به انتشار حکم محکومیت قطعی متهم نموده است.

جهت تکمیل فرآیند اصل علنی بودن دادرسی، دسترسی به آراء محاکم، مطابق ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی در جرایم اقتصادی با انتشار آن در رسانه‌ها، تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۳۱ مرداد ۱۳۸۸ به‌عنوان نقطه عطف قابل‌توجه می‌باشد. مطابق ماده ۲ این قانون: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد.» و طبق ماده ۵ «مؤسسات عمومی مکلف‌اند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترسی مردم قرار دهند.» از همین‌رو می‌توان گفت که قوه قضائیه مکلف بر اجرای قانون انتشار آزاد اطلاعات است. به همین سبب است که باوجود عدم شفافیت و صراحت دقیق قانون یادشده در امکان دسترسی عمومی به آراء دادگاه‌های گفته شده است، در نظام حقوقی ما قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، قوه قضائیه را از شمول خود استثنا نکرده است (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۷۶). و در نقلی دیگر، در قانون کشورمان به‌طور مستقیم به موضوع امکان دسترسی عمومی به آراء دادگاه‌ها اشاره نشده است، اما با توجه به بندهای «الف» و «ب» ماده ۱۷ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که در مقام بیان استثنای دسترسی به اطلاعات می‌باشد، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که قانون‌گذار به این موضوع نیز توجه داشته است (ویژه و طاهری، ۱۳۹۰: ۲۴۷). از همین‌رو، با توجه به اینکه آراء و قرارهای محاکم در زمره اطلاعات داخل در حوزه عمومی محسوب می‌شوند، همانند

قانون‌گذار حق نظارت عمومی بر تحقق حقوق دفاعی متهم را با اصل عدالت علنی مورد پذیرش قرار داده، و عدالت مادام زمانی که رؤیت نشود، محقق نگشته است.

۴- عدم دسترسی آزادانه به وکیل

مطابق طرح و پیشنهاد مبارزه با جرایم اقتصادی، در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادگاه، طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می‌گردد. این در حالی است که حق انتخاب وکیل مدافع یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی عادلانه می‌باشد. زیرا همه انسان‌ها حقوقدان نیستند. حق دسترسی به وکیل مدافع در نظام حقوقی ایران در قانون اساسی، قوانین موضوعه عادی و رویه‌های قضایی و دکترین حقوقی، به اشکال گوناگون به رسمیت شناخته شده است.

حق دسترسی به وکیل در اسناد متعدد بین‌المللی تضمین شده است، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ردیف «ب» بند ۱ ماده ۱۴، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ردیف «ج» بند ۱ ماده ۶ منشور بانجول ردیف «ج» بند ۱ ماده ۷، و اساسنامه و دیوان کیفری بین‌المللی ردیف «ج» بند ۲ ماده ۱۴ و ردیف «د» بند ۱ ماده ۶۷ از جمله اسناد بین‌المللی هستند که حق داشتن وکیل را تضمین نموده‌اند. در این زمینه کمیته حقوق بشر مقرر داشته تمامی افراد بازداشت شده باید فوراً به وکیل دسترسی داشته باشند (فضائلی، ۱۳۸۹: ۴۳۶).

حق دسترسی به وکیل در قانون اساسی به‌طور مطلق و بدون هرگونه قید و محدودیتی مقرر شده و دادگاه‌ها نیز مکلف به پذیرش وکیل منتخب مردم و اصحاب دعوای به تجویز مقرر در اصل سی و پنجم آن و فراهم آوردن سازوکار انتخاب وکیل از سوی افراد فاقد توانایی، در راستای حق بر معاضدت قضایی و حقوقی شده‌اند، اما علیرغم شناسایی حق دسترسی به وکیل و حق دفاع در قوانین عادی مطروحه این حق به ترتیب مندرج در برخی از قوانین، از جمله تبصره ماده ۴۸ و ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی (۱۳۹۴/۲۴/۳) و ترتیب مقرر در بخشنامه ابلاغی صادره در تشکیل دادگاه‌های ویژه رسیدگی

سایر اطلاعات عمومی برای متقاضیان دسترسی ازجمله برای رسانه‌ها نیز قابل‌دسترس خواهند بود (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۸۹). خالی از لطف نمی‌باشد که راه‌اندازی سامانه دسترسی به آرا در سایت اینترنتی پژوهشگاه قوه قضائیه^۱ را گامی مؤثر در جهت استجابت تکلیف قانونی، ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹، از سوی قوه قضائیه دانست که به‌موجب آن «قوه قضائیه مکلف است تا سال دوم برنامه تربیتی اتخاذ نماید که ضمن حفظ حریم خصوصی اشخاص، آراء صادره از سوی محاکم به‌صورت بر خط (آنلاین)، در معرض تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان قرار گیرد»؛ هرچند به سبب کاستی‌ها و محدودیت‌های موجود در این زمینه موفقیت شایان ذکری را در ایفای تمام و کمال این وظیفه کسب نکرده باشد.

در جهت افزایش سلامت قضایی، چاره‌ای جز شفافیت دادرسی در تمام مراحل رسیدگی در دادگاه اعم از فرآیند دادرسی و بیان مفاد حکم (شفافیت قضایی)، بالأخص در جرایم اقتصادی نمی‌باشد. دسترسی عموم افراد به اطلاعات پرونده‌های اقتصادی، قوانین و مقررات حاکم بر فساد اقتصادی و نحوه اعمال قوانین و هرگونه تغییر در فرآیند اجرای قوانین و آیین دادرسی باید موقعیت نقد و بررسی توسط نگاه تیزبین جامعه مخصوصاً قشر تحصیل‌کرده را داشته باشند. بر همین اساس اطلاعات مرتبط با عملکرد دستگاه قضایی و دادگاه‌ها باید به‌طور وسیع و گسترده منتشر گردد چراکه حقوق دوجانبه مردم و متهم چیزی جز این را نمی‌طلبد، که به‌نوعی ریشه در پاسخگویی قضایی در جهت عدم‌تخطی قاضی از حدود قانونی دارد. این امر از آن‌جهت اهمیت دوجندانی می‌یابد که نظام آرمان‌خواه جمهوری اسلامی، برقراری عدالت را محور اصلی نظام قضایی خویش قرار داده و دقیقاً از همین سبب است که صرف اجرای عدالت کافی نبوده و عدالت بایستی به چشم دیده و شنیده گردد. قدر متقین مورد پذیرش نظام کنونی، تلاش در راستای اجرای عدالت و حاکمیت قانون می‌باشد که عدالت درگرو اجرای جزءبه‌جزء قانون نهفته است و بر همین سبب است که

¹ - www.ijri.com

از دید برخی فقها، به دو دلیل زیر اعتراض به رأی قاضی پذیرفته است: «یا باوجود دلیل قطعی به اشتباه حکم کرده باشد و یا در اجتهاد خود کوتاهی ورزیده باشد» (نراقی، ۱۴۱۵: ۳۶۰/۲). این در حالی است که قانون‌گذار با در نظر گرفتن حقوق دفاعی متهم علاوه بر شناسایی حق متهم بر اعتراض به «صدور قرار بازداشت» به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین قرار تأمین (ماده ۲۳۹ ق.آ.د.ک)، در خصوص «تداوم و ابقاء قرار» نیز متهم را مستحق اعتراض دانسته (۲۴۱ و ۲۴۲)؛ که با تفکیک قرار صادره از سوی بازپرس و یا توسط دادگاه، در دو ماده متفاوت ذیل مواد ۲۷۱ و ۲۴۶ ق.آ.د.ک، در خصوص ضمانت اجرای ماده ۲۳۹ تعیین تکلیف نموده است و مجوز نقض قرار بازداشت موقت غیرقانونی را بدین‌وسیله در مرجعی بالاتر فراهم کرده است. لکن مطابق با بند نهم از نامه استجازه رئیس قوه قضائیه، متهم اقتصادی در کلیه موارد رسیدگی، اعم از دادسرا و دادگاه، از حق اعتراض برقرار بازداشت موقت محروم می‌باشد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی سال ۱۳۹۴، اصل دو درجه‌ای بودن رسیدگی‌ها و اصل بر غیرقطعی بودن احکام دادگاه‌ها را به عنوان روشی در جهت بازبینی آراء قضایی به منظور امتناع از اشتباهات قضایی در راستای اجرای عدالت پیش‌بینی نموده است و مطابق ماده ۴۲۶ و ماده ۴۲۸ با تعیین مراجع تجدیدنظرخواهی بازه زمانی ۲۰ روزه را برای اشخاص مقیم ایران از تاریخ ابلاغ رأی (ماده ۴۳۱) در نظر گرفته است. لیکن از میان کلیه جرایم قابل تجدیدنظر و فرجام‌خواهی از دیوان عالی کشور، آنچه را که رئیس قوه قضائیه از میان مجازات‌های مصرح در قانون برگزیده و مشمول فرجام‌خواهی دانسته است، صرفاً حکم اعدام اخلاگران اقتصادی ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از انواع محاکم ویژه در نظام قضایی کشور در خصوص رسیدگی به جرایم اخلاگران اقتصادی، مطابق نامه رئیس سابق قوه قضائیه به رهبری، تشکیل دادگاه‌های ویژه اقتصادی بود که در جهت کسب پاره‌ای اقدامات ویژه در

به جرایم متهمان اخلاخل در نظام اقتصادی این حق به رسمیت شناخته شده است. حقی که با اصول مسلم دادرسی منصفانه سازگار است اما بر اساس طرح پیشنهادی رئیس قوه قضائیه، امکان انتخاب آزادانه و ارادی وکیل در دادرسی جرایم اقتصادی محدود و مقید به انتخاب وکلای دادگستری مورد تأیید ریاست قوه قضائیه و ریاست سازمان قضایی نیروهای مسلح، حسب مورد شده است. چراکه بخش زیادی از جرایم اقتصادی می‌تواند از مصادیق جرایم سازمان‌یافته باشد و بر اساس این تبصره جرایم سازمان‌یافته که از محدودیت دسترسی به وکیل در تحقیقات مقدماتی و حتی دادگاه برخوردارند که این خود می‌تواند در مغایرت با اصول دادرسی عادلانه باشد.

نگارش تبصره ماده ۴۸ ق.آ.د.ک صرف‌نظر از اینکه با اعمال تبعیض و تعارض نسبت به برخی از متهمان در جهت نقض اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی، مبنی بر تساوی حقوق مردم ایران و برابری در حمایت قانون است، در تعارض کلان با اصل نهم از قانون اساسی می‌باشد که تصویب هرگونه قوانین و مقررات مغایر با آزادی‌های مشروع مردم و شهروندان را سلب و منع کرده است. شرط اجرای این ماده در دادسرا و مختص به مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد. از این‌رو، گسترش و تسری محدودیت موجود در تبصره این ماده به موجب نامه استجازه رئیس قوه قضائیه به مرحله رسیدگی در دادگاه عملی خلاف قانون است.

۵- عدم تجدیدنظرخواهی و اعتراض به قرار بازداشت موقت

مطابق بند ۹ طرح پیشنهادی و استجازه رئیس سابق قوه قضائیه، در کلیه موارد رسیدگی به جرایم اقتصادی در صورت وجود دلایل کافی به تشخیص قاضی دادسرا و یا دادگاه حسب مورد قرار بازداشت موقت تا ختم رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر می‌شود. این قرار غیرقابل اعتراض در مراجع دیگر خواهد بود. هرگونه تغییری در قرار، توسط دادگاه رسیدگی‌کننده صورت می‌پذیرد. آرای صادره از این دادگاه بجز اعدام، قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد. احکام اعدام با مهلت حداکثر ۱۰ روز قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد.

تخصصی و کارشناسی در راستای مقابله با پدیده‌های ناهنجار اجتماعی همچون فساد اقتصادی، نتیجه مطلوبی را به همراه نخواهد داشت. فلذا جایگزینی رویه‌ها و سیاست‌های کیفری مؤثر تقنینی، اجرایی و قضایی مطلوب و یکپارچه مبارزه با فساد در قالب برنامه‌ای ملی از سوی مراجع تصمیم‌گیری نتایج سودمندی را به همراه خواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله توسط نویسنده نخست انجام گرفته و نظارت بر حسن انجام آن با سایر نویسندگان بوده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف - فارسی و عربی

- آشوری، محمد؛ بشریه، حسین و محمد یزدی، عبدالمجید (۱۳۸۳). *حقوق بشر و مفاهیم، مساوات، انصاف و عدالت*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- انصاری، باقر (۱۳۹۰). «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی». *فصلنامه پژوهش حقوق*، ۱۳(۳۵): ۲۷۶-۲۸۹.

- رحمدل، منصور (۱۳۹۷). «تشریفات قانونی و دادرسی و آثار مترتب بر عدم رعایت آن‌ها در امور کیفری». *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۵: ۱۵۷-۱۸۷.

راستای تأسیس آیین دادرسی کیفری خاص و انحصاری در برخورد با متهمین اقتصادی به مدت دو سال از تاریخ مردادماه ۱۳۷۷ تا مردادماه ۱۳۹۹ مورد تأیید و تصدیق مقام رهبری قرار گرفت. در طرح پیشنهادی و استجازه رئیس قوه قضائیه اصول مشخص دادرسی عادلانه نظیر مدت ابلاغ، دادرسی علنی، اعتراض و تجدیدنظرخواهی و حق دسترسی به وکیل نادیده گرفته شده است که با برخی قواعد فقهی و موازین فقهی موجود مغایرت دارد. در رعایت اصول دادرسی عادلانه متهم حق دارد به دفاع شخصی از خود بپردازد یا آنکه از وکیل بهره برد. حضور وکیل در تمام مراحل دادرسی کیفری حقی اساسی است که به تضمین رعایت آیین قانونی کمک می‌کند. اما متأسفانه این حق در دادرسی اقتصادی در طرح پیشنهادی و در کل نظام حقوق کیفری ایران تا حدودی محدود شده است و متهم فقط می‌تواند از وکلای مورد تأیید قوه قضائیه می‌تواند استفاده کند. اصل مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد علنی بودن محاکمات در جرایم اقتصادی است که در قوانین ایران نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. اما موکول نمودن علنی بودن جلسات به تشخیص رئیس دادگاه می‌تواند در تعارض با اصول دادرسی منصفانه باشد. از دیگر چالش‌های موجود در فرآیند دادرسی، جرایم اقتصادی، قطعی بودن و غیرقابل اعتراض بودن قرارهای بازداشت موقت و قطعی بودن غالب آراء بجز اعدام بود. به نظر می‌رسد لازم است در جهت تضمین شاخص‌های اصل حاکمیت قانون در نیل به اهدافی همچون رعایت اصول دادرسی منصفانه، استقلال قضایی قضات، توجه به صلاحیت‌های مراجع رسیدگی، مستند و مستدل بودن احکام قضایی و آرای دادرسی و درنهایت، صیانت از حقوق دفاعی و آزادی‌های فردی متهم تأسیس هرگونه مراجع ویژه و دادگاه‌های اختصاصی خارج از محور نظام عدالت کیفری مطرح در قانون اساسی، نفی گردد. اتخاذ رویکرد عوام‌گرایی کیفری با توسل بر اقدامات نمایشی، تحت عنوان سیاستی موقت و زودگذر، به‌منظور اقناع افکار عمومی در برهه‌های خاصی از زمان، بدون توجه به یافته‌های علمی و نظرات

کیفری ایران». نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ. تهران: بی‌نا.

- مالچ نیکل، مارک (۱۳۸۴). بزه دیدگان در معرض قضاوت؛ آیا اصل عدالت علنی در خدمت بزه دیدگان است در جرم، بزه دیدگاه و عدالت (مقالاتی در مورد اصول و رویه). چاپ اول، تهران: انتشارات خلیلیان.

- مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۷۹). «اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع)»، مجله مصباح، ۳۴: ۲۵-۴۰.

- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲). جواهر الکلام فی شرح و الشرائع الاسلام. جلد دوازدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- نراقی، ملا احمد (۱۴۱۵). مستند الشیعه فی احکام الشریعه. جلد دوم، قم: موسسه آل‌البیت (ع).

- ویژه، محمدرضا و طاهری، آزاده سادات (۱۳۹۰). «تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتو اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات»، فصلنامه پژوهش حقوق، ۱۳ (۳۵): ۲۳۷-۲۶۸.

ب- منابع انگلیسی و فرانسوی

- Stepniak, D (2014). *The Theraepuetic vapue of open Justice*, The University of western Austrapia: Paw schoop

- Czar-Bru, Ch (1927). *Precis Elementire de Procedure Civrle*. Paris: Recuil sllzey.

- رضوی فرد، بهزاد؛ قربان زاده، حسین (۱۳۹۵). «حق بر علنی بودن دادرسی به‌عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی». فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۷ (۱): ۱۶۳-۱۷۶.

- سلطانی فرد، حسین؛ المیر، محمود و عالی پور، حسن (۱۳۹۷). «آئین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل». فصلنامه مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، ۱۰ (۳): ۱۵۹-۱۹۴.

- شهید اول، محمد (۱۴۱۷). *الدروس الشرعیة فی فقه الایمامیة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- صابر، محمود و ناظریان، حسین (۱۳۹۳). «مهلت معقول دادرسی در دیوان بین‌المللی کیفری و آراء دیوان اروپایی حقوق بشر». نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۸ (۴): ۴۷-۷۲.

- صادقی مادوانی، مهران؛ سایانی، علیرضا و فروتن، مصطفی (۱۴۰۰). «نقش عادلانه بودن دادرسی اقتصادی بر جذب سرمایه در کلان‌شهرها». مجله اقتصاد و مدیریت شهری، ۹ (۳۴): ۱۵۵-۱۶۶.

- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۲). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- فضائی، مصطفی (۱۳۸۹). *دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی*. چاپ دوم، تهران: شهر دانش.

- قربانی، علی (۱۳۹۰). *دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر*. چاپ اول، قم: انتشارات حقوق امروز.

- قره چاهی، فرشاد و صادقی مادوانی، مهران (۱۳۹۹). «پیامدها و چالش‌های دادرسی جرایم اقتصادی در حقوق